

بررسی رده‌شناختی راهبردهای ساخت بند موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی

کاوه بهرامی^۱

استادیار، گروه آموزشی زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷، تاریخ تصویب: ۹۴/۰۱/۳۱)

چکیده

بند موصولی در زبان آلمانی با استفاده از ضمیر موصولی ساخته می‌شود که از جهت جنس و شمار با اسم هسته مطابقت دارد. این در حالی است که زبان فارسی تنها از حرف ربط «که» برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کند. این تفاوت، زبان‌آموزان ایرانی و آلمانی را به هنگام یادگیری زبان‌های آلمانی و فارسی با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. مقاله پیش‌رو علاوه بر بررسی راهبردهای ساخت بند موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی به دنبال پاسخ به این پرسش است که بندهای موصولی از دیدگاه رده‌شناسی با کمک چه راهبردهایی ساخته می‌شود و جایگاه زبان‌های فارسی و آلمانی در این دسته‌بندی کجاست؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد زبان آلمانی برای ساخت بند موصولی از راهبرد ضمیر موصولی استفاده می‌کند که شاخه‌ای از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر است. این در حالی است که زبان فارسی نقش نحوی اسم هسته در درون بند موصولی را از طریق راهبردهای مختلفی از جمله راهبرد حذف کامل اسم هسته یا راهبرد به کارگیری ضمیر شخصی تعیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بند موصولی، جهانی‌های زبان، حرف ربط، راهبردهای ساخت بند موصولی، رده‌شناسی.

مقدمه

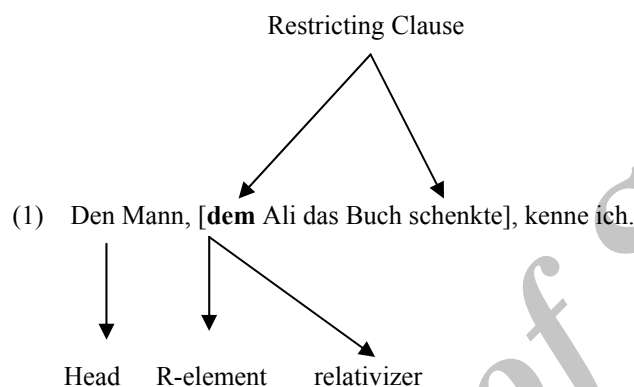
بند موصولی توصیف‌کننده اسم یا گروه اسمی است و از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین انواع جملات فرعی توصیفی محسوب می‌شود. پین (۲۰۰۶: ۳۰۱) در تشریح بندهای موصولی به نقل از کینان می‌گوید: «بند موصولی جمله‌واره‌ای است که یک اسم را توصیف می‌کند و به لحاظ ساختار نحوی در درون گروه اسمی قرار می‌گیرد.» در مقدمه این جستار نخست به معرفی مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده بند موصولی از دیدگاه پین می‌پردازیم. سپس، ویژگی‌های بند موصولی را در زبان‌های فارسی و آلمانی به اختصار شرح می‌دهیم. پین (۲۰۰۶: ۳۰۲) اجزای تشکیل‌دهنده بند موصولی را به چهار بخش اصلی تقسیم می‌کند:

۱. هسته^۱ بند موصولی. اسم یا ضمیری است که بند موصولی آن را توصیف می‌کند.
۲. بند توصیف‌گر^۲ که همان بند موصولی نامیده می‌شود.
۳. جزء یا عنصری^۳ از بند موصولی که نقش نحوی هسته در درون بند موصولی را برعهده می‌گیرد.
۴. تکواژی^۴ که در ابتدای بند موصولی قرار می‌گیرد و پیونددهنده بند موصولی با جمله پایه است.

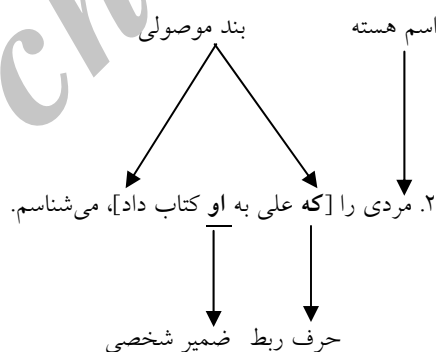
علاوه بر این تقسیم‌بندی، این نکته نیز شایان توجه است که نقش نحوی هسته از دو منظر قابل بررسی است. نخست، نقش هسته در درون جمله پایه، سپس نقش هسته در درون بند موصولی (له‌مان، ۱۹۸۲). در این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش‌ایم که نقش نحوی هسته در درون بند موصولی یا آنچه پین R-element یا relativized noun phrase نامیده است با کمک چه ابزاری اعمال می‌شود؟ همچنین سعی می‌کنیم برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در به‌کارگیری راهبردهای اعمال نقش نحوی هسته در بند موصولی را در زبان‌های مختلف نشان دهیم و جایگاه زبان‌های فارسی و آلمانی را در این دسته‌بندی مشخص کنیم. پیش از آن به این نکته اشاره می‌کنیم که تمایز واژگانی میان عنصر برعهده‌گیرنده نقش نحوی هسته در درون بند موصولی با تکواژ پیونددهنده بند موصولی با بند پایه در برخی زبان‌ها

-
1. head
 2. restricting clause
 3. R-element
 4. relativizer

صورت نمی‌گیرد. به بیان دیگر، نقش نحوی هسته در درون بند موصولی، همچنین پیوند میان بند موصولی و بند پایه از طریق یک جزء جمله مشخص می‌شود. این حالت در زبان‌هایی دیده می‌شود که از ضمیر موصولی برای ساخت بند موصولی بهره می‌برند. همان‌گونه که در نمونه ۱ از زبان آلمانی مشاهده می‌شود، ضمیر موصولی هر دو نقش را برعهده گرفته است.



در نمونه ۱ علاوه بر ملاحظه اجزای اصلی تشکیل‌دهنده بند موصولی، مشاهده می‌کنیم که ضمیر موصولی (dem) هم نقش دستوری مفعول غیرمستقیم در درون بند موصولی را برعهده گرفته است (R-element) و هم تکواژی است که در ابتدای بند موصولی قرار گرفته و نشانه بند موصولی است (relativizer). حال برگردان همین جمله را در زبان فارسی بررسی می‌کنیم.



در نمونه ۲ می‌بینیم که زبان فارسی برای ساخت بند موصولی از حرف ربط «که» استفاده می‌کند که برخلاف ضمایر موصولی در زبان آلمانی، صرف نمی‌شود. به بیان دیگر، در حالت‌های دستوری گوناگون تغییری در آن ایجاد نمی‌شود. از همین رو، برخلاف آنچه ماهوتیان (۲۰۰۶: ۳۳) در ارتباط با توصیف جملات موصولی در زبان فارسی آورده است، «که» را نمی‌توان ضمیر موصولی نامید، زیرا این کلمه نقش نحوی و حالت‌های دستوری را نشان نمی‌دهد. پین (۲۰۰۶: ۳۰۲) بیشتر به این نکته اشاره کرده است که زمانی می‌توانیم حرف ربطی را ضمیر موصولی خطاب کنیم که آن حرف ربط بسته به نوع نقش نحوی خود در درون بند موصولی به لحاظ واژگانی و فرم با تغییر همراه شود. این تغییر در مورد حرف ربط «که» در زبان فارسی دیده نمی‌شود، زیرا این حرف در نقش‌های مختلف نحوی تغییری نمی‌کند، اما در مورد ضمایر موصولی در زبان آلمانی این تعریف صدق می‌کند (البرزی، ۱۳۷۹). آنچه پین نقش نحوی هسته در درون بند موصولی خطاب می‌کند، در زبان فارسی از طریق ضمیر شخصی و بسته به نوع فعل با کمک حرف اضافه ساخته می‌شود. استفاده از ضمیر موصولی یا ضمیر شخصی نوعی راهبرد ساخت بند موصولی^۵ است که موضوع اصلی مقاله پیش‌روست. علاوه بر پین که به اختصار به معرفی راهبردهای ساخت بند موصولی پرداخته است، صفوی (۱۳۸۰: ۱۵۳) نیز در مقاله خود با عنوان «برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی در زبان فارسی»، علاوه بر توصیف گونه‌های مختلف بند موصولی، «چهار گونه از کاربرد هسته در بند پیرو» را تشریح کرده است. این چهار مورد عبارت‌اند از کاربرد هسته به صورت کامل، جایگزینی هسته با ضمیر، جایگزینی هسته با ضمیر موصولی و حذف کامل هسته.

البرزی (۱۳۷۹: ۷۳) نیز در مقاله خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای جملات موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی» به بررسی نقش «هسته اسمی» در جملات موصولی اشاره کرده است. وی نیز همانند صفوی چهار نوع متفاوت را برای نقش هسته اسمی در جملات موصولی در نظر می‌گیرد: اول اینکه هسته در بند موصولی به صورت اسم باقی می‌ماند؛ دوم، ضمیر در بند موصولی به صورت ضمیر باقی می‌ماند؛ سوم، هسته در بند موصولی به صورت ضمیر موصولی ظاهر می‌شود؛ و چهارم، هسته در بند موصولی وجود ندارد. نویسندگان دو مقاله ذکر شده، مبنای پژوهش خود را بر اساس آنچه کامری (۱۹۸۹) درباره انواع جهانی‌های بند

5. Relativierungsstrategien

موصولی گفته است، قراردادده‌اند. در تحقیق پیش‌رو، سعی می‌کنیم علاوه بر بازتاب نظرات این نویسندگان، از دیدگاه‌های تازه‌تری در رده‌شناسی زبان در باب جملات موصولی، از جمله پین (۲۰۰۶) و گیون (۲۰۰۱) بهره ببریم. علاوه بر این، برخی نکاتی را مطرح می‌کنیم که نقض‌کننده جهانی‌های زبان در ارتباط با بندهای موصولی است.

بحث و بررسی

زبان‌های مختلف برای تعیین و نشان‌دادن نقش نحوی هسته در بند موصولی از روش‌ها و راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از راهبردهای رایج، به‌کارگیری **ضمیر موصولی**^۶ است که نمونه آن در زبان آلمانی مشاهده می‌شود. ضمائر موصولی در زبان آلمانی نه تنها رابط میان بند پایه و بند موصولی به حساب می‌آید، بلکه نقش دستوری هسته در بند موصولی را نیز آشکار می‌کند.

- (3) **Der Mann, der** kommt, ist mein Bruder.
مردی که می‌آید، برادر من است.
- (4) **Der Mann, den** du gesehen hast, ist mein Bruder.
مردی که تو او را دیدی، برادر من است.
- (5) **Der Mann, dem** du das Buch gegeben hast, ist mein Bruder.
مردی که تو کتاب را به او دادی، برادر من است.
- (6) **Der Mann, dessen** Aufsatz veröffentlicht wurde, ist mein Bruder.
مردی که مقاله‌اش / مقاله او منتشر شده، برادر من است.

در نمونه‌های ۳ تا ۶ می‌بینیم که ضمائر موصولی علاوه بر پیوند دادن بند پایه و بند موصولی، نقش نحوی هسته (مردی / Der Mann) در بند موصولی را نیز نشان می‌دهند. پس می‌توان نتیجه گرفت که آنچه بین نقش نحوی هسته در بند موصولی یا R-element می‌خواند، همچنین relativizer که همان تکواژ شروع‌کننده بند موصولی است، در زبان آلمانی یکی است و همان ضمیر موصولی خطاب می‌شود. تفاوت میان ضمائر موصولی در مثال‌های ذکرشده از این روست که هر یک از ضمائر بر اساس نقش دستوری فاعل (نمونه ۳)، مفعول مستقیم

(نمونه ۴)، مفعول غیرمستقیم (نمونه ۵) و اضافی^۷ (نمونه ۶)، همچنین طبق ظرفیت فعل به کار رفته در بند موصولی صرف شده‌اند. باید این نکته را نیز در نظر بگیریم که ضمائر موصولی در زبان آلمانی با هسته بند موصولی از لحاظ جنس و شمار مطابقت دارد.

کینان و کامری (۱۹۷۷) راهبرد استفاده از ضمائر موصولی برای نشان دادن نقش نحوی هسته در بند موصولی را گونه‌ای از راهبرد تکرار و یا حفظ ضمیر^۸ در بند موصولی می‌دانند که شامل راهبرد استفاده از ضمائر شخصی نیز می‌شود. در این مقاله به دلیل تفاوت‌های موجود در ساخت بند موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی میان این دو راهبرد تفاوت قائل می‌شویم. یکی از تفاوت‌های موجود میان راهبرد استفاده از ضمیر موصولی با ضمیر شخصی در این است که ضمائر موصولی برخلاف ضمائر شخصی در ابتدای بند موصولی قرار می‌گیرند. کینان و کامری (۱۹۷۷: ۶۵) معتقدند که راهبرد رایج در زبان روسی در ساخت بند موصولی، استفاده از ضمائر موصولی است. آن‌ها برای نشان دادن این موضوع نمونه‌های زیر را ارائه کرده‌اند.

- (7) Devuška, **kotoruju** Džon ljubit...
 Girl who John likes
 The girl who John likes...
 (8) Devuška, **kotoraja** ljubit Džona...
 Girl who likes John
 The girl who likes John...

همان‌طور که در نمونه‌های ۷ و ۸ دیده می‌شود، ضمائر موصولی (*kotoruju* و *kotoraja*) در زبان روسی همانند ضمائر موصولی در زبان آلمانی در ابتدای بند موصولی قرار گرفته‌اند. ضمیر موصولی *kotoruju* در نمونه ۷ در حالت مفعولی قرار دارد و نقش نحوی هسته (*Devuška* / دختری) را در بند موصولی نمایان می‌سازد. این در حالی است که ضمیر موصولی *kotoraja* در نمونه ۸ نقش فاعلی هسته در بند موصولی را بر عهده گرفته است. در برگردان انگلیسی مثال‌های بالا (که برای بررسی بیشتر به فارسی ترجمه نشده است) مشاهده می‌کنیم که این تفاوت میان *R-element* و *relativizer* در زبان انگلیسی وجود ندارد، زیرا که در هر دو مثال از حرف ربط *who* استفاده شده است. در مثال انگلیسی تنها از طریق ترتیب

۷. شایان ذکر است که در برگردان فارسی نمونه ۶ با ساخت ملکی روبه‌رویم.

8. Pronomenerhaltungsstrategie (pronoun-retention strategy)

کلمات در بند موصولی می‌توان دریافت که نقش هسته در این بند نقش فاعلی (نمونه ۸) یا مفعولی (نمونه ۷) است.

راهبرد دیگری که در ساخت بندهای موصولی رایج است، راهبرد ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری^۹ است. در این راهبرد که در زبان‌هایی همانند زبان بامبارایی^{۱۰} مشاهده می‌شود، بند توصیف‌کننده هسته، ساختار ظاهری بند موصولی را دارا نیست، بلکه شبیه به بند پایه ساخته می‌شود. گیون (۲۰۰۱، ج ۲: ۱۸۳) نمونه‌های زیر را از زبان بامبارایی ارائه کرده است.

(9) N ye o ye, ce min ye muru san.
I PAST him see man REL PAST knife buy
I saw **him**, the man who bought the knife.

(10) Cε be o dyc, n ye so min ye.
Man PROG it build I PAST house REL see
The man is building **it**, the house that I saw.

راهبرد ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری تنها راهبرد ممکن برای ساخت بند موصولی در زبان بامبارایی است. گیون اما بر این باور است که از این راهبرد در زبان انگلیسی نیز می‌توان بهره گرفت. باید به این نکته توجه داشت که مثال‌هایی که گیون (۲۰۰۱، ج ۲: ۱۸۲) مطرح می‌کند، از زبان انگلیسی گفتاری استخراج شده است.

(11) The man you met yesterday is a crook.

(12) The man is a crook, y' know, see, you met him yesterday, right?

در مثال ۱۱ بند موصولی به صورت رایج در زبان انگلیسی یعنی با استفاده از راهبرد حذف هسته در بند موصولی ساخته شده است. این نمونه به زبان نوشتاری تعلق دارد. این در حالی است که در نمونه ۱۲ بند موصولی همانند زبان بامبارایی بدون درونه‌گیری ساخته شده است.

9. non-embedding strategy

۱۰. Bambara language: گونه‌ای از زبان‌های نیجر-کونگویی است که سخنوران آن در کشور مالی در غرب آفریقا زندگی می‌کنند.

در مثال ۱۲ با نمونه‌ای از زبان گفتاری روبه‌رویم. در اینجا با ذکر نمونه‌هایی از لازار (۱۹۵۷) و شفایی (۱۳۵۳) در پی آن‌ایم که نشان دهیم ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری در زبان فارسی نیز ممکن است.

(۱۳) یک چاهی هست که آن چاه خراب است.

(۱۴) شب را در آنجا گذرانیدیم، یک شبی که هرگز تصورش را نمی‌کردیم.

در نمونه‌های بالا مشاهده می‌کنیم که هسته در بند موصولی به صورت کامل تکرار شده است. بر اساس دسته‌بندی‌های رده‌شناختی و جهانی‌های راهبردی، ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری یا کاربرد هسته به صورت کامل^{۱۱}، در زبان‌هایی با گونه‌بند موصولی میان‌رو^{۱۲} به کار می‌رود. در این گونه از بندهای موصولی، هسته در میان‌بند موصولی قرار می‌گیرد. اما در مثال‌های ذکر شده از زبان‌های فارسی و انگلیسی دیده شد که استفاده از راهبرد ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری در زبان‌هایی با گونه‌بند موصولی پس‌رو^{۱۳} نیز یافت می‌شود. در این گونه، بند موصولی پس از هسته قرار می‌گیرد. نمونه زیر نشان می‌دهد که ساخت بند موصولی با استفاده از راهبرد تکرار هسته به صورت کامل در زبان‌هایی با گونه‌بند موصولی پیش‌رو^{۱۴} نیز مشاهده می‌شود. در این گونه، بند موصولی پیش از هسته خود قرار می‌گیرد.

(15) Peeme coqtsee waa-la kurka thii-pe coqtse the na noo-qi yin.

Peem table under-DAT cross write-PART GEN table the I buy-PRES be

I will buy the table under which Peem made a cross.

نمونه ۱۵ که نمونه‌ای از ساخت بند موصولی در زبان تبتی است، نشان می‌دهد که هسته بند موصولی (میز) هم در بند پایه آمده است و هم بدون تغییر و به صورت کامل در بند موصولی تکرار شده است. بنابراین، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که ساخت بند

11. non-reduction strategy

12. internal-head relative clause

۱۳. postnominal relative clause. همان‌طور که در نمونه‌های پیشین مشاهده شد، زبان آلمانی نیز همانند زبان فارسی و انگلیسی از ساختار جملات موصولی پس‌رو برخوردار است.

14. prenominal relative clause

موصولی با استفاده از راهبرد عدم درونه‌گیری، برخلاف آنچه دربارهٔ جهانی‌های راهبرد ساخت بند موصولی گفته می‌شود، در هر سه گونهٔ بند موصولی پس‌رو، پیش‌رو و میان‌رو یافت می‌شود.

راهبرد دیگری که در ساخت بندهای موصولی رایج است، راهبرد حذف کامل هسته^{۱۵} در بند موصولی است. این راهبرد در ساخت بندهای موصولی در زبان فارسی زمانی به کار می‌رود که هسته در بند موصولی نقش فاعل یا مفعول را برعهده گیرد. زبان ژاپنی از جمله زبان‌هایی است که در تمامی حالت‌های نحوی هسته در بند موصولی، تنها از راهبرد حذف کامل هسته استفاده می‌کند (گیون، ۲۰۰۱، ج ۲: ۱۸۳).

(16) [Ø] onna-ni tegami-o kaita otoko-wa...
[SUBJ] woman-DAT letter-ACC sent man-TOP
The man who sent a letter to the woman...

(17) Otoko-ga onna-ni [Ø] kaita tegami-wa...
Man-SUBJ woman-DAT [DO] sent letter-TOP
The letter that the man sent to the woman...

(18) Otoko-ga [Ø] tegami-o kaita onna-wa...
Man-SUBJ [IO] letter-ACC sent woman-TOP
The woman to whom the man sent a letter...

همان‌طور که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، اسم هسته (مردی) در نمونهٔ ۱۶ در حالت فاعلی، در نمونهٔ ۱۷ (نامه‌ای) در حالت مفعولی و در نمونهٔ ۱۸ (زنی) در حالت متممی قرار دارد. در هر سه نمونه ذکر شده، هسته در بند موصولی به طور کامل حذف شده است. باید به این نکته اشاره کرد که حذف هسته در بند موصولی در زبان فارسی در حالت فاعلی اجباری و در حالت مفعولی اختیاری است. در مثال زیر چنانچه هسته در حالت فاعلی به صورت ضمیر تکرار شود، جمله غیر دستوری خواهد بود (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۶).

(۱۹) مردی که [Ø] دیروز اینجا آمد، برادر من است.

(۲۰) *مردی که او دیروز اینجا آمد، برادر من است.

در زبان عبری نیز هنگامی که هسته در بند موصولی نقش فاعلی داشته باشد، از راهبرد حذف کامل هسته استفاده می‌شود. در زبان عبری نیز همان‌گونه که در مثال ۲۲ مشاهده می‌شود، تکرار ضمیر در حالت فاعلی در بند موصولی منجر به غیردستوری شدن جمله می‌شود (کینان، ۱۹۸۵: ۱۴۷).

(21) Ha-ish she-[Ø] makir oti...
The-man that-[SUBJ] knows me
The man who knows me...

(22) *Ha-ish she-hu makir oti...
The-man that-he knows me
The man who knows me...

گیون (۲۰۰۱) با ذکر نمونه‌های بالا در عین حال یادآور می‌شود که در زبان عبری چنانچه هسته در بند موصولی در حالت فاعلی قرار گیرد، در شرایطی خاص می‌توان از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر نیز علاوه بر راهبرد حذف کامل هسته استفاده کرد. در نمونه ۲۳ از زبان انگلیسی نیز می‌بینیم که چنانچه هسته بند موصولی در حالت فاعلی قرار گیرد، از راهبرد حذف کامل هسته در بند موصولی استفاده می‌شود (پین، ۲۰۰۶: ۳۰۵).

(23) The alligator that [Ø] saw me eats tofu.

در اینجا به ویژگی‌های راهبرد دیگری با عنوان راهبرد استفاده از ضمیر شخصی^{۱۶} می‌پردازیم. همان‌طور که پیشتر گفتیم، این نوع راهبرد گونه‌ای از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر در بند موصولی است که استفاده از ضمیر موصولی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود. تاکنون به این نکته اشاره شد که در زبان فارسی امکان ساخت بندهای موصولی با استفاده از راهبردهای حذف کامل هسته در درون بند موصولی و راهبرد ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری وجود دارد. چنانچه فاعل جمله پایه، مفعول بند موصولی باشد، در زبان فارسی به صورت اختیاری می‌توان از راهبرد ضمیر شخصی نیز استفاده کرد (نمونه ۲۴). حذف هسته در بند موصولی نیز در این حالت نحوی در زبان فارسی بلامانع است (نمونه ۲۵).
(۲۴) مردی که دیروز او را دیدید، برادر من است.

(۲۵) مردی که دیروز [Ø] دیدید، برادر من است.

همان‌طور که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، نقش هسته در درون بند موصولی از طریق استفاده از ضمیر شخصی برعهده گرفته شده است. کامری (۱۹۸۹) بر این نظر است که اختیاری بودن استفاده از این راهبرد در زبان فارسی تنها در صورتی است که نقش اسم هسته در بند موصولی، نقش مفعولی باشد. به اعتقاد کامری، چنانچه هسته در درون بند موصولی نقش متممی داشته باشد، استفاده از راهبرد ضمیر شخصی الزامی است.

(۲۶) مردی که دیروز کتاب را به او دادید، برادر من است.

(۲۷) * مردی که دیروز کتاب را [Ø] دادید، برادر من است.

کامری (۱۹۸۹: ۱۴۷) در همین ارتباط به این جمع‌بندی می‌رسد: «زبان فارسی در حالت فاعلی و مفعول مستقیم از راهبرد حذف کامل هسته، و در حالت مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم [متممی] و اضافی از راهبرد تکرار ضمیر استفاده می‌کند.»

این دسته‌بندی را پیشتر کریستیان له‌مان (۱۹۸۲: ۲۸۸)، زبان‌شناس آلمانی، نیز تأیید کرده است. این در حالی است که صفوی (۱۳۸۰: ۱۴۹) با ارائه نمونه‌هایی این نظر کامری و له‌مان را رد می‌کند و معتقد است، استفاده از راهبرد حذف کامل هسته در بند موصولی در حالت متممی نیز «در شرایطی خاص» امکان‌پذیر است. اگرچه در نمونه‌های صفوی (۱۳۸۰: ۱۵۰) استفاده از این راهبرد دستوری به نظر می‌آید، اما توضیح بیشتری در این باره که علت این امر چیست و استفاده از این راهبرد شامل چه نوع افعالی در زبان فارسی می‌شود، ارائه نمی‌کند. زبان دیگری که در استفاده از راهبرد ضمیر شخصی در حالت‌های نحوی ذکر شده شبیه به فارسی عمل می‌کند، زبان عبری است. در زبان عبری از راهبرد استفاده از ضمیر شخصی برای تعیین نقش نحوی هسته بند موصولی در حالت‌های مفعولی و متممی استفاده می‌شود (گیون، ۲۰۰۱، ج ۲: ۱۸۶).

- (28) Ha-isha she-Yoav ohev (ot-a)...
The-woman REL-Yoav loves ACC-her
The woman that Yoav loves...

همان‌طور که در نمونه ۲۸ مشهود است، ضمیر شخصی «a» در درون پرانتز قرار گرفته است که نشان از اختیاری بودن کاربرد آن دارد. در ساخت بند موصولی در زبان فارسی در حالت مفعولی نیز گفته شد که استفاده از ضمیر شخصی اختیاری است. از سوی دیگر نمونه ۲۹ نشان می‌دهد که استفاده از راهبرد ضمیر شخصی برای تعیین نقش نحوی مفعول غیرمستقیم در بند موصولی، در زبان عبری همانند زبان فارسی اجباری است.

(29) Ha-isha **she**-Yoav natan l-a et-ha-sefer...
The-woman **REL**-Yoav gave-he to-**her** ACC-the-book
The woman to whom Yoav gave the book...

در اینجا به دو نکته اشاره می‌کنیم که در دسته‌بندی جهانی‌های ساخت بند موصولی و راهبردهای مربوط به آن اهمیت دارد و نشان از ناپایداری بودن قواعد جهانی‌های زبان دارد. نخست آنکه کینان (۱۹۸۵: ۱۴۷) بر این نکته تأکید دارد که در اغلب زبان‌هایی که راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر راهبرد اصلی در ساخت بند موصولی است، در حالت فاعلی از راهبرد حذف کامل هسته استفاده می‌شود. می‌توان ادعا کرد که این قاعده با توجه به نمونه‌هایی که پیشتر از زبان فارسی ارائه شد، در مورد زبان فارسی صدق می‌کند. اما زبان‌های اورهوبو^{۱۷} و ییدیش^{۱۸} در این مورد استثنا می‌سازند. در اینجا با ارائه نمونه‌هایی نشان می‌دهیم که چرا کینان با قاطعیت در مورد جهانی‌های بند موصولی سخن نمی‌گوید. در نمونه ۳۰ از زبان اورهوبو می‌بینیم که استفاده از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر، حتی در حالت فاعلی نیز کاربرد دارد (کینان، ۱۹۸۵: ۱۴۷).

(30) Q vbere.
She sleep
She is sleeping.

(31) John mle aye l-ø vbere.
John saw woman that-**she** sleep
John saw the woman who is sleeping.

17. Urhobo
18. Jiddisch

همان‌طور که در نمونه ۳۱ مشاهده می‌شود، ضمیر *o* (*she*) در جمله پایه (نمونه ۳۰) در بند موصولی در حالت فاعلی، تکرار شده است که نشان از کاربرد راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر در زبان اورهوبو دارد.

نکته دیگری که در مورد جهانی‌های زبان در ارتباط با ساخت بند موصولی قابل توجه است، این فرضیه است که بر اساس آن، زبان‌هایی با ساختار بند موصولی پس‌رو از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر استفاده می‌کنند و در مقابل زبان‌هایی با ساختار بند موصولی پیش‌رو تمایل به استفاده از راهبرد حذف کامل هسته دارند. کینان (۱۹۸۵) در همین ارتباط تأکید می‌کند که در زبان‌هایی با گونه بند موصولی پیش‌رو، راهبرد غالب راهبرد حذف کامل هسته است. وی معتقد است که در این زبان‌ها تحت هیچ شرایطی بند موصولی با استفاده از راهبرد ضمیر موصولی ساخته نمی‌شود. کینان (۱۹۸۵: ۱۵۴)، همچنین معتقد است که راهبرد غالب در زبان‌هایی با گونه بند موصولی پس‌رو، راهبرد استفاده از ضمیر موصولی است. این ادعا را می‌توان با در نظر گرفتن ساختار بندهای موصولی در زبان چینی مردود دانست. بندهای موصولی در زبان چینی، همانند زبان ژاپنی پیش‌رویند. نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که در زبان چینی، برخلاف زبان ژاپنی، به جای استفاده از راهبرد حذف کامل هسته، از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر استفاده می‌شود (کینان، ۱۹۸۵: ۱۴۹).

(32) Wo da-le (**ta**) yidum de neige nanhaizi...
I hit-PERF **him** once REL that boy
The boy that I hit once...

(33) Wo bei **ta** da-le yidum de neige nanhaizi...
I by **him** hit-PERF once REL that boy
The boy by whom I was hit once...

گیون (۲۰۰۱) زبان‌هایی را که از چند راهبرد برای تعیین نقش نحوی هسته در بند موصولی بهره می‌برند، در دسته‌بندی دیگری جای داده است. وی از عنوان راهبردهای ترکیبی ساخت بند موصولی^{۱۹} برای این دسته از زبان‌ها استفاده کرده است. همان‌طور که در ارتباط با ساختار بندهای موصولی در زبان فارسی گفته شد، برخلاف نظر له‌مان (۱۹۸۲) و کامری (۱۹۸۹) زبان فارسی در ساخت بند موصولی نه تنها از راهبردهای حذف کامل هسته و راهبرد

تکرار یا حفظ ضمیر استفاده می‌کند، بلکه راهبرد ساخت بند موصولی بدون درون‌گیری نیز در آن کاربرد دارد. از همین‌رو، پیشنهاد می‌شود زبان فارسی در دسته‌بندی زبان‌هایی قرارگیرد که از راهبردهای ترکیبی ساخت بند موصولی استفاده می‌کنند. علاوه بر زبان فارسی در نمونه‌های ارائه شده در این مقاله از زبان عبری نیز مشاهده شد که همانند زبان فارسی، علاوه بر به‌کارگیری راهبرد حذف کامل هسته و راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر از راهبرد ضمیر موصولی نیز استفاده می‌شود. نمونه زیر از کینان (۱۹۸۵: ۱۵۲) نشان می‌دهد که ضمیر «she-otam» (that-them) به لحاظ جنس و شمار با هسته «sarim» (ministers) تطابق دارد.

- (34) Ha-sarim **she-otam** ha-nasi shalax la-mitsraim...
 The-ministers **that-them** the-President sent to Egypt
 The ministers **whom** the President sent to Egypt...

با توجه به نمونه ۳۴، کینان نتیجه‌گیری می‌کند که امکان استفاده از ضمیر موصولی در زبان عبری امکان‌پذیر است. از همین‌رو می‌توان سه نوع راهبرد را در تعیین نقش نحوی هسته در بند موصولی در زبان عبری متصور شد. نتیجه‌گیری این خواهد بود که زبان عبری را نیز در کنار زبان فارسی در گونه زبان‌های با استراتژی‌های ترکیبی ساخت بند موصولی قراردهیم. وضعیت مشابهی در مورد زبان‌های چکی، یونانی و اسلوانی نیز وجود دارد، به طوری که می‌توان این زبان‌ها را نیز در دسته‌بندی ذکر شده قرار داد. اگر نمونه‌های زیر از پین (۲۰۰۶: ۳۰۸) را درباره زبان انگلیسی در نظر بگیریم، به این نتیجه خواهیم رسید که زبان انگلیسی نیز از راهبردهای ترکیبی ساخت بند موصولی استفاده می‌کند.

- (35) The table which he put it on.
 (36) The table **that** he put it on.
 (37) The table [Ø] he put it on.

در زبان انگلیسی بندهای موصولی علاوه بر استفاده از راهبرد ضمیر موصولی (نمونه ۳۵) و حذف کامل هسته با استفاده از تکواژ موصول‌ساز (نمونه ۳۶)، با کمک راهبرد حذف کامل هسته بدون استفاده از تکواژ موصول‌ساز (نمونه ۳۷) نیز ساخته می‌شوند.

نتیجه

می‌توان در مجموع نتیجه گرفت که نقش نحوی هسته در بند موصولی در زبان‌های گوناگون از طریق راهبردهای مختلف شکل می‌گیرد. برخلاف زبان آلمانی که در آن تنها از راهبرد ضمیر موصولی برای برعهده گرفتن نقش هسته در بند موصولی استفاده می‌شود، در زبان‌هایی همانند فارسی، انگلیسی و عبری، بیش از دو راهبرد برای ساخت بند موصولی کاربرد دارد. پیشنهاد شد که این گونه زبان‌ها در دسته زبان‌هایی با راهبردهای ترکیبی ساخت بند موصولی قرار گیرند. به نظر می‌رسد یادگیری زبان فارسی برای آلمانی‌زبانان، همچنین یادگیری زبان آلمانی برای فارسی‌زبانان در مبحث بندهای موصولی با توجه به پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ساختاری در زبان مادری هر گروه با دشواری‌هایی همراه باشد. در همین زمینه نشان داده شد که زبان فارسی علاوه بر بهره‌گیری از راهبرد حذف کامل هسته، همچنین راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر، قادر به استفاده از راهبرد ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری نیز هست. همچنین، برخلاف نظر کینان که می‌گوید زبان‌هایی که از راهبرد تکرار و حفظ ضمیر استفاده می‌کنند، در حالت فاعلی هسته در بند موصولی، از راهبرد حذف کامل هسته بهره می‌برند، نشان داده شد که زبان‌های اورهوبو و ییدیش برخلاف این قاعده عمل می‌کنند. در این زبان‌ها از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر در حالت فاعلی نیز استفاده می‌شود. علاوه بر این، نشان داده شد که زبان چینی علی‌رغم ساختار بند موصولی پیش‌رو، برخلاف زبان ژاپنی از راهبرد تکرار یا حفظ ضمیر استفاده می‌کند، نه از راهبرد غالب حذف کامل هسته. از سوی دیگر، تحقیق حاضر نشان داد که ساخت بند موصولی با استفاده از راهبرد عدم درونه‌گیری، برخلاف آنچه دربارهٔ جهانی‌های راهبرد ساخت بند موصولی گفته می‌شود، در هر سه گونه بند موصولی پس‌رو، پیش‌رو و میان‌رو یافت می‌شود. این نمونه‌ها را می‌توان در تضاد با برخی جهانی‌های زبان دانست که تاکنون دربارهٔ راهبردهای ساخت بند موصولی مطرح بوده‌اند.

References

- Alborzi-Verki, P. (1379/2000). *Barresi-ye Moghayesei-ye Jomalate Mosouli Dar Zaban Haya Almaniy va Farsi* (The Contrastive Analysis of Relative Clauses in German and Farsi). *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*. No.9. 58-77.
- Comrie, B. (1989). *Language universals, linguistic typology. Syntax and morphology*. 2. überarb. Aufl. Oxford: Blackwell.

- Givón, T. (2001). *Syntax: An Introduction*. 2. überarb. Aufl. 2 vols. Amsterdam [u.a.]: Benjamins.
- Keenan, E.L. (1985). "Relative clauses". In: Shopen, Timothy (Hrsg.): *Language typology and syntactic description*, vol. II: *Complex constructions*. Cambridge [u.a.]: Cambridge University Press, 141-170.
- Keenan, E.L. and Comrie, B. (1977). "Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar". *Linguistic Inquiry* 8, 63-99.
- Lazard, G. (1957). *Grammaire du persan contemporain* (Contemporary Persian Grammar). Paris: Librairie C. Klincksieck.
- Lehmann, C. (1982). "Der Relativsatz im Persischen und Deutschen: eine Studie in funktioneller kontrastiver Linguistik" (The Relative Clause in Persian and German: A Study in Functional Contrastive Linguistics). *IRAL* 20, 279-296.
- Mahootian, Sh. (2006). *Persian*. 2. Aufl. London [u.a.]: Routledge.
- Payne, T.E. (2006). *Exploring language structure*. Cambridge [u.a.]: Cambridge University Press.
- Gholam Alizadeh, Kh. (1386/2007). *Sakht e Zaben e Farsi* (Structure of Persian Language). Tehran: Ehya e Ketab.
- Safavi, K. (1380/2001). *Goftarhaee Dar Zabanshenasi* (Papers on Linguistics). Tehran: Hermes Publications.
- Shafai, A. (1353/1974). *Anvae Jomalate Morrakab Dar Farsi e Moaser* (The Study of various Compound Sentences in contemporary Farsi). Sokhan. No.23. 638-647.